

## اقتصاد مقاومتی، گفتمان راهبرد تولید ثروت در بستر نظام دینی از منظر رهبری <sup>۱</sup> \* ﴿المطلبة﴾

□ محمود اصغری<sup>۱</sup>

### چکیده

رشد پر شتاب اقتصادی، افزایش بهره‌وری، اشتغال‌زایی پایدار، سیاست‌گذاری جهت تربیت نیروی انسانی ماهر، اصلاح ساختار اقتصادی کشور، فرهنگ‌سازی در حوزه تولید ملی و مصرف داخلی، تحقق چشم‌انداز بیست ساله با رویکرد دینی، تحقق و اعتلای عزت اسلامی، دست‌یابی به عدالت اجتماعی، اثبات کارآمدی نظام اقتصادی کشور، و... این‌ها در واقع همان راهبردهای کلی و دکترین‌های اقتصاد مقاومتی هستند که به اعتقاد رهبری در بستر نظام اسلامی که نظامی دینی است باید تحقق یابد.

پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که «آیا اقتصاد مقاومتی به عنوان یک راهبرد عملی تولید ثروت می‌تواند در بستر دینی به تولید ثروت پردازد؟». به عبارت دیگر این مقاله در پی تبیین این مسأله است که «آیا آموزه‌های دینی با تولید ثروت و رونق اقتصادی در نظام اجتماعی هم‌خوانی دارد یا خیر؟». مدعای پژوهش حاضر با تکیه بر یافته‌های آن این است که نه تنها آموزه‌های دینی با تولید ثروت و رشد و توسعه اقتصادی هم‌خوانی دارد، بلکه تنها در

بستر دینی است که رشد و توسعه پایدار، که لازمه آن تولید ثروت است، تحقق می‌یابد. از این رو، اقتصاد مقاومتی در گفتمان رهبری به عنوان الگویی از اقتصاد اسلامی تنها در این بستر است که باید به تولید ثروت بپردازد، چون در این بستر است که می‌تواند اهداف نظام اسلامی را برآورده سازد. در راستای اثبات چنین ادعایی مقاله، به روش توصیفی - تحلیلی، کاوشی در آموزه‌های قرآن کریم خواهد داشت. **واژگان کلیدی:** اقتصاد مقاومتی، تولید ثروت، قرآن کریم، گفتمان رهبری.

### مقدمه

واکاوی سخنان و دستورالعمل‌های رهبری علیه‌السلام در رابطه با اقتصاد مقاومتی بیان‌گر این حقیقت و واقعیت است که در اقتصاد مقاومتی مبانی نظری و عملی برای مدل‌سازی گونه‌ای از اقتصاد دینی است که فعالانه خود را برای تولید ثروت و ایجاد قدرت و توان اقتصادی فراهم می‌سازد. از این رو، مکانیسم‌های اقتصادی، فضای کسب و کار، تجارت خارجی، نهادهای مالی و واسطه‌ای، همه و همه، در اقتصاد مقاومتی مبتنی بر این پیش فرض طراحی می‌شوند. محوریت نگاه رهبری علیه‌السلام در اقتصاد مقاومتی تحقق اهداف اقتصادی در بستر دینی است و به تعبیر خودشان:

«نباید از یاد ببریم نظامی که شعارش عبارت است از تحقق دین خدا در زندگی مردم و در جامعه مردمی و کشور، شعارش قالب‌گیری زندگی اجتماعی ما است با شریعت الهی و دین الهی و ضوابط و ارزش‌های الهی، یک چنین نظامی در دنیایی که دو سه قرن با سرعت به سمت مادی‌گری پیش رفته و شکل گرفته، چیزی شبیه معجزه بود و این معجزه اتفاق افتاد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۶/۱۴).

بر این اساس، برای تحقق بخشیدن به این اهداف باید از ابتدای فرایندهای اقتصادی تا انتها و تحصیل نتیجه، همه در بستر دینی قرار داشته باشند؛ زیرا صرف دستیابی به ثروت، از هر طریق و به هر شکل و به دست هر کس، مورد نظر ایشان نبوده و نیست. بر این اساس است که می‌فرمایند:

«در همه کارهایی که ما داریم، در همه تلاش‌هایی که می‌کنیم، چه تصمیم‌هایی که در مسائل اقتصادی می‌گیریم، چه در مسائل فرهنگی، ما باید این اصل را از یاد نبریم که وظیفه ما تحقق بخشیدن به اسلام به کامله است؛ باید دنبال اسلام کامل باشیم. این جور نباشد که از آرمان اسلام بکاهیم، به خاطر این که مثلاً در فلان قضیه موفق بشویم؛ نه، موفقیت ما، پیشرفت ما وابسته به این است که ان‌شاءالله بتوانیم [اسلام کامل را محقق کنیم]. اگر این جور شد، خدای متعال هم کمک خواهد کرد، و نصرت الهی قطعاً و یقیناً و بدون هیچ تردیدی متوقف به این است که ما دین خدا را نصرت کنیم» (همان، ۱۳۹۳/۱۲/۲۱).

در این تحقیق تلاش بر این است تا به نقد و بررسی هم‌خوانی این نظریه با آموزه‌های قرآن کریم پرداخته شود.

روشی که در این تحقیق برگزیده شده، مراجعه مستقیم به آیات قرآن کریم و تحلیل و تبیین آنها برای استخراج نظرگاه قرآن در رابطه با تولید ثروت و جایگاه ارزشی رشد و توسعه اقتصادی است.

### پیشینه تحقیق

در رابطه با پیشینه علمی موضوع، کتاب یا مقاله‌ای که به طور مستقیم به موضوع مورد بحث پرداخته باشد تاکنون نویسنده به آنها دست نیافته است؛ ولی برخی از کتاب‌ها و مقالاتی که به نوعی هر چند محدود و کم رنگ مرتبط با این موضوع هستند عبارتند از:

### الف - کتاب‌ها:

سیف، مرادالله (۱۳۹۲)، «کتاب اقتصاد مقاومتی ضرورت‌ها، نقشه راه و زمینه‌های اجرا»؛ این کتاب بخش‌های مختلف اقتصاد مقاومتی، به ویژه سیاست‌های پولی اقتصاد مقاومتی را با تعیین نقشه راه و زمینه‌های اجرا مورد بررسی قرار داده است.

اختری، عباس علی (۱۳۹۲)، «اقتصاد مقاومتی (زمینه‌ها - راه کارها)»؛ مؤلف در بخش دوم این کتاب با عنوان «بایدهای منابع تولید و ثروت»، نقش تولید و ثروت را در شکوفایی اقتصاد و نیز موانع و مشکلات مربوط به این دو مقوله را بررسی می‌کند. «اقتصاد مقاومتی (زمینه‌ها - راه کارها)»؛

عبدالملکی، حجت‌الله (۱۳۹۳)، «اقتصاد مقاومتی درآمدی بر مبنای، سیاست‌ها و برنامه عمل»؛ این اثر حاصل پیاده‌سازی و ویرایش مجموعه سخنرانی‌هایی در حوزه اقتصاد مقاومتی است.

پیغامی، عادل (۱۳۹۴)، «درس گفتارهای اقتصاد مقاومتی»، این کتاب، به بیان موضوعاتی همچون: مفهوم اقتصاد مقاومتی از منظر مقام معظم رهبری دام‌ظله، رابطه اقتصاد مقاومتی و استقلال اقتصادی، تبیین دانشگاهی ابعاد اقتصاد مقاومتی، راهکار عملیاتی شدن اقتصاد مقاومتی، الزامات نظریه پردازی در اقتصاد مقاومتی، و... می‌پردازد.

دری نوگورانی، حسین و صالح اصفهانی، اصغر (۱۳۹۲)، «اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران»؛ این کتاب در پنج بخش به چاپ رسیده است که بخش اول و دوم، بیشتر جنبه‌ مبنایی و بخش‌های بعدی بیشتر جنبه تجربی تاریخی و نگارشی دارند و در بخش پایانی نیز برخی اصول راهنمای کاربردی برای راه‌کارهایی تحقق اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران ارائه شده‌است.

## ب - مقالات:

نادران، الیاس؛ پورصادق، ناصر؛ سیاح، سید امیر (۱۳۹۴)، در مقاله «تحلیل گفتمان ولایت فقیه در حوزه تولید ثروت»؛ به این نتیجه می‌رسند که گفتمان ولایت فقیه به تولید ثروت، از طریق کار و تلاش، سازندگی، پیشرفت درون‌زا مبتنی بر تولید علم، با هدف رفاه عمومی و اقتدار نظام اسلامی تأکید فراوان دارد. عبداللهی، عابد صمد؛ قبادی، مهری (۱۳۹۳)، «راهکارهای قرآن برای رونق

اقتصادی»؛ این مقاله افزون بر اهمیت و تأکید بر جهاد و رونق اقتصادی، برخی از راه کارهای عملی دست‌یابی به تولید ثروت را نیز بیان کرده است.

جمالی، یعقوب و جابری، علی (۱۳۹۳)، «اقتصاد مقاومتی از دیدگاه اسلام؛ مفهوم، اصول و سیاست‌ها»؛ با بیان این که الگوی اقتصاد مقاومتی مبتنی بر اصول مقاومت، عزت، حکمت، تقدم مصالح جمعی و جهاد است و لازمه سیاست‌گذاری آن در بخش تولید، مبارزه با فساد، سوداگری و کاهش اتکا به نفت و حمایت از تولید ملی است.

سیف، مرادالله (۱۳۹۱) در مقاله «الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران»؛ با بهره‌گیری از بیانات رهبری به چهار مؤلفه اساسی رشد اقتصادی، عدالت اقتصادی، ثبات اقتصادی و فنریت اقتصادی پرداخته و به مناسبت، به بحث از حمایت از تولید ملی با تأکید بر خودکفایی، حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان، بهبود فضای کسب و کار و اصلاح الگوی مصرف پرداخته است.

میرمعزی، سید حسن (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای تحت عنوان «اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن با تأکید بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری «عَلَيْهِ السَّلَامُ» اقتصاد مقاومتی را شکل خاصی از نظام اقتصادی اسلام دانسته که در وضعیت تهدید اقتصادی دشمن با تغییر اولویت‌ها و اهداف نظام اقتصادی و تغییر متناسب با آن در اصول راهبردی و سیاست‌های کلی نظام پدید می‌آید.

تراب‌زاده جهرمی، محمد صادق؛ سجادیه، سید علیرضا؛ سمیعی‌نصب، مصطفی (۱۳۹۲)، در مقاله «بررسی ابعاد و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای «عَلَيْهِ السَّلَامُ»؛ اقتصاد مقاومتی را طراحی و مدل‌سازی ویژه‌ای از شرایط و ساز و کارهای اقتصادی دانسته که مبتنی بر آن فضای اقتصادی کشور براساس فرض وجود حداکثر تحریم‌ها و فشارها به صورت فعال و نه منفعل طراحی می‌شود.

اسدی، علی (۱۳۹۳)، در مقاله دیگری تحت عنوان «نظام اقتصاد اسلامی الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی» بیان می‌کند که اقتصاد مقاومتی محصول اقتصاد اسلامی است و در شرایط بروز ناملازمات، حوادث، بحران‌ها یا در مسیر اهداف پویا و پایدار به تخصیص بهینه منابع می‌پردازد.

رهبر، فرهاد؛ سیف‌الدین، امیر علی؛ رهبر، امیر حسین (۱۳۹۳)، در پژوهشی به نام «رهیافتی بر هستی‌شناسی اقتصاد مقاومتی؛ تلاشی در جهت نگاه اسلامی به گذار سیستم‌های اقتصادی - اجتماعی»؛ اقتصاد مقاومتی را اقتصادی می‌داند که اجازه رشد را در شرایط تحریم و فشار می‌دهد.

طهماسبی، آذر و بلداجی، اصغر (۱۳۹۲)، در مقاله «جهاد اقتصادی و اقتصاد مقاومتی از منظر قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام»؛ با بیان این که جهاد اقتصادی یکی از مصادیق مهم حماسه اقتصادی می‌باشد؛ و تأثیر آن در پیشرفت اقتصادی بسیار حائز اهمیت است، به این نتیجه می‌رسد که اهمیت جهاد اقتصادی تا آنجا است که در کلام اهل بیت علیهم‌السلام برتر از جهاد با دشمنان در میدان‌های جنگ معرفی شده است و این مهم ناشی از اهمیت استقلال اقتصادی در زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان در سطح خرد و استقلال اقتصادی جامعه در سطح کلان می‌باشد.

امامی، محمد (۱۳۹۲)، در مقاله «استفاده بهینه در آموزه‌های اسلامی و نقش آن در اقتصاد مقاومتی»؛ به این نتیجه می‌رسد که استفاده بهینه از اموال و امکانات از عوامل مهم تأثیرگذار بر اقتصاد جامعه است که بدون توجه جدی به این مقوله نمی‌توان تحول در اقتصاد ایجاد کرد. این عامل نیز به نوبه خود متأثر از فاکتورهای دیگری است که در آیات و روایات بر آن تأکید شده است.

## بیان مسأله

### جایگاه تولید ثروت در اقتصاد اسلامی

بی تردید، رشد، شکوفایی، رفاه، سعادت، قدرت، استقلال، عظمت و نیل به کمال مطلوب برای جامعه، همگی متأثر از مسائل اقتصادی است؛ البته این به معنای زیر بنا بودن اقتصاد نیست، بلکه بیان گر اهمیت و جایگاه آن در نظام اسلامی است. انسان چاره‌ای ندارد، جز این که با استفاده از اختیار و حق انتخاب خدادادی، گرایش‌های معنوی خود را ضمن تأمین گرایش‌های مادی و در وضعیتی متعادل پاسخ گوید و نیل به کمال نهایی و قرب الهی را از رهگذر زندگی مادی به دست آورد. به تعبیر امام خمینی علیه السلام: «... اسلام مادیات را چنان تعدیل می‌کند که به الهیات منجر می‌شود. اسلام در مادیات به نظر الهیات نظر می‌کند، و در الهیات به نظر مادیات نظر می‌کند. اسلام جامع مابین همهٔ جهات است» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶، ۴۶۷-۸).

پس زندگی دنیا، مرحله‌ای است برای پرورش استعدادها. با چنین نگاهی، تولید ثروت و در پی آن تولید تمکن و رفاه اجتماعی، نه تنها در اسلام پذیرفته شده، بلکه به اعتقاد رهبری علیه السلام لازمهٔ منظومهٔ دینی است. با توجه به اهمیت چنین جایگاهی برای مسائل اقتصادی است که مقام معظم رهبری علیه السلام در دیدار مسؤولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی می‌فرمایند:

«ما وقتی به صورت کلان به زمینهٔ اقتصاد اسلامی نگاه می‌کنیم، دو تا پایهٔ اصلی مشاهده می‌کنیم. هر روش اقتصادی، هر توصیه و نسخهٔ اقتصادی که این دو پایه را بتواند تأمین کند، معتبر است. هر نسخه‌ای، هر چند مستند به منابع علی‌الظاهر دینی باشد و نتواند این دو را تأمین کند، اسلامی نیست. یکی از آن دو پایه عبارت است از «افزایش ثروت ملی». کشور اسلامی باید کشور ثروتمندی باشد؛ کشور فقیری نباید باشد؛ باید بتواند با ثروت خود، با قدرت اقتصادی خود، اهداف والای خودش را در سطح بین‌المللی پیش ببرد. پایهٔ دوم،

«توزیع عادلانه و رفع محرومیت در درون جامعه اسلامی» است. این دو تا باید تأمین بشود. و اولی، شرط دومی است. اگر تولید ثروت نشود؛ اگر ارزش افزوده در کشور بالا نرود، ما نمی‌توانیم محرومیت را برطرف کنیم؛ نخواهیم توانست فقر را برطرف کنیم. بنابراین هر دو تا لازم است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۱۱/۳۰).

با توجه به اهمیت مسأله اقتصاد و تأثیرپذیری تمامی بخش‌های اجتماعی از آن است که در پیام نوروزی سال ۱۳۹۵ بر این مطلب تأکید نموده و می‌فرمایند: «به گمان من مسأله اقتصاد در اولویت اول است. یعنی وقتی انسان نگاه می‌کند، در میان مسائل اولویت‌دار، از همه فوری‌تر و نزدیک‌تر، مسأله اقتصاد است. اگر به توفیق الهی، هم ملت و هم دولت و مسؤولان گوناگون، بتوانند در مسأله اقتصاد کارهای درست و به جا و متقن را انجام دهند، امید این هست که در مسائل دیگر، مثل مسائل اجتماعی، مثل آسیب‌های اجتماعی، مثل مسائل اخلاقی، مثل مسائل فرهنگی هم تأثیرگذار باشند» (همان، ۱۳۹۵/۱/۱).

حال با توجه به دیدگاه صریح مقام معظم رهبری «اَمَّا ظَنُّهُ» در رابطه با در نظر گرفتن دو پایه و بنای اصلی برای اقتصاد اسلامی؛ یکی «افزایش ثروت ملی» و دیگری «توزیع عادلانه<sup>۱</sup> در آمد و رفع فقر» نسبت به این دو پایه اصلی اقتصاد اسلامی آنچه بیشتر مورد نقد و مناقشه واقع شده و می‌شود نسبت به موضع دین در رابطه با تولید ثروت است که به تعبیر برخی، مانند مهندس بازرگان، «قرآن، که ثمره و خلاصه دعوت و زبان رسالت است، نه تنها سفارش و دستوری برای دنیا به ما نمی‌دهد، بلکه ما را ملامت می‌کند، که چرا این اندازه به دنیا می‌پردازید...»<sup>۲</sup> (بازرگان، ۱۳۷۴، ۶۲). از این رو، برای رفع و پاسخ‌گویی به این مناقشه به بیان مبانی تولید ثروت در قرآن کریم پرداخته خواهد شد.

### مبانی تولید ثروت در قرآن کریم

مبانی تولید ثروت در قرآن کریم را می‌توان از دو بُعد مورد توجه قرار داد:



الف - از بُعد نظری؛

ب - از بُعد راهبردی.

### الف - بُعد نظری

#### مطلوبیت ثروت در فلسفه و چرایی نظام آفرینش

بی‌تردید، جهان هستی با تمام نظم و زیبایی‌هایش نمودی از رحمت، لطف، مهربانی، علم، قدرت و حکمت خداوند است؛ به گونه‌ای که فلسفه آفرینش، ظهور و بروز صفات جمال و جلال خدای سبحان است.

لازمه رحمت و لطف الهی این است که در مجموعه هستی، اگر وجود پدیده‌ای، سبب زیبایی و زینت جهان گردد، لازم است خدا اجازه شکل‌گیری آن پدیده را بدهد؛ زیرا عدم موافقت در خلقت آن موجود، یا ناشی از عدم اطلاع و آگاهی از زیبایی آن است، یا در اثر ضعف و ناتوانی از خلقت آن است. چنانچه خدا با توجه به علم و قدرت بی‌نهایت، باز آن زیبایی را خلق نکند، ناشی از عدم «فضل» و «جود» و بخشندگی است و خدا از بخل، منزه است؛ زیرا که «جود» و رحمت و بخشندگی او بی‌نهایت است. ﴿وَمَا كَانَ عَطَاءَ رَبِّكَ مَحْظُورًا﴾ (اسراء/۲۰)؛ عطای پروردگارت منع نشده است. بنابر این، هر چیزی که اقتضای وجود و هستی داشته یا امکان وجود داشتن آن باشد، فیض وجود را از خدا دریافت می‌کند.

با توجه به آنچه گذشت حال می‌توان این سؤال را که «آیا تولید ثروت و به طور کلی ایجاد رفاه و آسایش، اولاً اقتضای وجود را دارد یا نه و ثانیاً، وجود ثروت در جهان مایه زینت جهان است یا مایه نقص جهان؟» آن را طرح و به آن پاسخ داد. در ادامه بحث با نقد و بررسی جایگاه انسان در نظام آفرینش و تکریم او به این پرسش پاسخ داده خواهد شد.

## جایگاه انسان در نظام آفرینش

در منطق قرآن کریم، از میان آفریدگان، انسان از ویژگی بسیار ممتازی برخوردار است که دیگر موجودات از این ویژگی بهره‌ای ندارند؛ به همین جهت در پی خلقت انسان است که خداوند خود را ستوده و به خود تبریک گفته است؛ ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾؛ ما انسان را از عصاره‌ای از گِل آفریدیم سپس او را نطفه‌ای در قرارگاه مطمئن قرار دادیم سپس نطفه را به صورت علقه (خون بسته)، و علقه را به صورت مضغه (چیزی شبیه گوشت جویده شده)، و مضغه را به صورت استخوان‌هایی در آوردیم؛ و بر استخوان‌ها گوشت پوشاندیم؛ سپس آن را آفرینش تازه‌ای دادیم؛ پس با برکت است خدایی که بهترین آفرینندگان است» (مؤمنون/۱۲-۱۴).

## تکریم انسان

در راستای احسن‌الخالقین بودن خدای سبحان است که پای احسن مخلوقین بودن انسان نیز به میان می‌آید و برای حفظ این موقعیت و جایگاه به انسان کرامت داده می‌شود. کرامت موهبتی است که از منظر قرآن مجید در بین مخلوقات ظاهری خداوند تنها مخصوص آدمی است و هیچ موجود زمینی دیگری به این شرافت توصیف نشده است؛ ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾ (اسراء/۷۰)؛ ما آدمی‌زادگان را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا [بر مرکب‌های راه‌وار] حمل کردیم و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان بخشیدیم و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری دادیم. خدای کریم به انسان، هم کرامت داده است و هم فضیلت. با توجه به کرامت و فضیلت انسان است که خدای

سبحان، آسمان و زمین و آنچه در آنهاست را مسخر این انسان نموده است؛ ﴿وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا﴾ (جاثیه/۱۳)؛ همه آنچه را که در آسمان‌ها و زمین هستند، خداوند، در تسخیر شما قرار داد.

﴿الْمَ تَرَوُنَّ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً﴾ (لقمان/۲۰)؛ آیا شما انسان‌ها نمی‌بینید همه آنچه را که در آسمان‌ها و زمین است، خداوند متعال مسخر شما قرارداد و شما را بر آنها مسلط کرد؟ و نعمت‌های ظاهری و باطنی خود را برای شما فراوان گردانید؟ آیه قبله تقریباً مخصوص در زمین بود، اما این آیه دخالت در آسمان هم کرده است و همه را در تسخیر انسان قلمداد می‌کند؛ یعنی که انسان موجود مکرمی است که همه موجودات عالم، برای او خلق و در تسخیر او قرار گرفته است.

قرآن کریم، در سوره بقره، آیه ۲۹، به وضوح بر این مطلب تصریح می‌کند که این عالم طبیعت از آسمان‌ها و زمین و موجودات و نعمت‌های الهی در آن، همه برای شما انسان‌ها آفریده شده‌اند تا شما بهره‌مند گردید. ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا...﴾ (بقره/۲۹)؛ او خدایی است که خلق کرد برای شما تمام آنچه که در زمین است.

این در حالی است که براساس نص آیات قرآن، خدای سبحان، اشیاء و پدیده‌ها را نه باطل آفریده و نه بازیچه؛ ﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ﴾ (ص/۲۷)؛ ما آسمان و زمین و آنچه در میان آنهاست را بیهوده نیافریدیم، این گمان کافران است، وای بر کافران از آتش (دوزخ).

﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ﴾ (مؤمنون/۱۱۵)؛ پس آیا گمان کرده‌اید که ما شما را بیهوده آفریده‌ایم و شما به سوی ما بازگردانده

نمی‌شوید؟

محور و اساس آفرینش او بر مبنای حق استوار گشته است؛ ﴿وَمَا خَلَقْنَا  
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِاعْبِيْنَمَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا  
يَعْلَمُونَ﴾ (دخان/۳۸-۳۹)؛ ما آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان این دو است  
را بی‌هدف نیافریدیم. ما آن دو را فقط به حق آفریدیم، ولی اکثر آنها نمی‌دانند.  
﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ...﴾ (احقاف/۳)؛  
ما آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان این دو است را جز به حق نیافریدیم. بنابراین،  
در این نظام احسن، حتی کوچک‌ترین اجزای آن، اهداف و مقاصد بلند و  
ارزش‌مندی را تعقیب می‌نمایند و هیچ‌یک از آنها معطل و بی‌کار نیستند و آن  
علت غایی و هدف نهایی در خلقت کائنات و پیدایش موجودات، همچنان که  
گذشت، چیزی جز خلقت انسان نبوده است؛ چرا که او احسن المخلوقین است.  
چنانچه آفریدگارش احسن الخالقین است.

حال با توجه به آیاتی که بیان شد، آیا می‌توان پذیرفت که همه این فضل و  
بخشش‌ها به انسان برای فقیر نگه‌داشتن او و محتاج به نان شب بودن اوست؛ در  
حالی است که فقر زمینه‌ساز لگدمال شدن عزت نفس انسان‌ها می‌باشد؛ چرا که  
به واسطه تنگ‌دستی و فقر، کرامت نفس و حرمت انسان‌ها مخدوش خواهد شد.

### فطری بودن حداکثرسازی منافع

فطرت به معنای ویژگی‌هایی است که در اصل خلقت و آفرینش انسان ریشه  
دارد (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۳، ۴۵۵). مقصود از فطری بودن حداکثرسازی منافع،  
نگاه و جایگاه ارزشی قرآن کریم به استفاده بهینه بردن از منابع، به عنوان یک  
خصلت ذاتی، است که در نهاد او قرار داده شده و قابل تغییر و تبدیل نیست؛  
چون از فطریات او به شمار می‌آید. ﴿فَطَرَتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ  
لِخَلْقِ اللَّهِ﴾ (روم/۳۰)؛ فطرتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. تغییری در

آفرینش خدا نیست، که این رمز خلقت و عامل حرکت انسان‌هاست و تا زمانی که انسان، انسان باشد، این خصلت را نمی‌توان از او گرفت.

بر مبنای چنین بینش نظری است که قرآن کریم همواره برای برانگیختن این خصلت ذاتی انسان برای ترغیب به پاداش‌های جهان دیگر، از واژه‌هایی که بار حداکثرسازی منافع را در درون خود نهفته دارند، مانند تجارت، خرید و فروش، سود، قرض و کلماتی از این قبیل در رابط با منافع جهان اخروی از آنها استفاده می‌کند. برخی از آیاتی که این واژه‌ها در آنها به کار رفته است، عبارتند از:

﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ ... فَاسْتَبَشِرُوا بَبَيْعِكُمُ الَّتِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (توبه/۱۱۱).

در حقیقت، خدا از مؤمنان، جان و مالشان را به [بهای] این که بهشت برای آنان باشد، خریده است ... پس به این معامله‌ای که با او کرده‌اید شادمان باشید، و این همان کامیابی بزرگ است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾ (صف/۱۰)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، آیا شما را بر تجارتی راه نمایم که شما را از عذابی دردناک می‌رهاند؟

﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ﴾ (حدید/۱۱)؛ کیست که به خدا وامی نیکو دهد تا ذات بی‌همتای او آن را برایش چندین برابر سازد؟!

از این آیات به روشنی می‌توان دریافت که مبنای نظری قرآن افزایش منافع و حداکثرسازی منافع است؛ اعم از منافع دنیوی و اخروی، و نمی‌توان بین آنها تفکیک قائل شد. لازمه افزایش منافع و حداکثرسازی آن به طور طبیعی در جامعه رشد و توسعه و تولید ثروت خواهد بود.

### ناسازگاری عقل با فقر

از آنجا که بین فطرت و عقل رابطه تنگاتنگی وجود دارد و آنچه را که

فطرت‌پذیر است، عقل نیز آن را می‌پذیرد، به طور طبیعی، چیزی به صورت هنجار می‌تواند در جامعه مورد پذیرش واقع شود که با عقل و فطرت انسان هم‌سو و هم‌نوا باشد. هنجارهای مغایر با عقل و فطرت نمی‌توانند تفاهم‌بخش باشند. جامعه‌ای که در آن رشد و توسعه اقتصادی به حاشیه رانده شود، و فقر و ایستایی در قالب یک هنجار بروز و ظهور داشته باشد آن جامعه روی سعادت نخواهد دید. بنابراین، فقر به عنوان یک هنجار هرگز با مبنای عقلی سازگاری ندارد. زیرا هنجارهای اسلامی نه تنها با عقل راستین هم‌سو است، بلکه در فطرت انسانی نیز ریشه دارد. چون ریشه فطری دارد به آسانی مورد پذیرش قرار می‌گیرد (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۳، ۳۸۴ و ۳۸۸) و پایدار است. به بیان علامه طباطبایی رحمته‌الله: «خلاصه کلام و جامع آن این است که قرآن اساس قوانین را بر توحید فطری و اخلاق فاضله‌گریزی بنا کرده، ادعا می‌کند که تشریح (تفنین قوانین) باید بر روی بذر تکوین و نوامیس هستی جوانه زده و رشد کند و از آن نوامیس منشأ گیرد» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ۹۹).

اگر هنجاری نتواند نظام مادی و تعاملات اقتصادی انسان‌ها را تنظیم نماید، جامعه دچار بی‌نظمی می‌شود. از نظر علامه طباطبایی رحمته‌الله، خداوند امور اقتصادی را عنصر مهم نظم اجتماعی و مایه اصلی قوام جامعه قرار داده است. از این‌رو، عامل اصلی بحران‌های اخلاقی فقر مفرط یا نیل به ثروت بی‌حساب است. عدم تنظیم نظام اقتصادی مستقیم و غیرمستقیم باعث اختلال نظام بشری می‌شود (طباطبایی، ج ۹، ۳۳۱). از مطالب فوق به خوبی روشن می‌شود که هماهنگی هنجار با نیازهای مادی و زیستی تا چه اندازه در ایجاد تفاهم هنجاری و به دنبال آن نظم اجتماعی نقش دارد.

حال با توجه به آنچه بر مبنای رویکرد فلسفی به حداکثرسازی منافع، که هم‌خوانی با فطرت انسان دارد است که قرآن کریم حتی برای آنجایی که ممکن است تضاد منافع افراد با یکدیگر یا منافع فرد با جامعه به وجود آید انسان را

آماده گذشت از منافع فردی و فوری خویش، در مقابل به دست آوردن منافع اجتماعی، و منافع آتی مصداق سود و منفعت را توسعه داده و در نتیجه، منافع معنوی و اخروی را برای او در نظر می‌گیرد و از این طریق بین منافع فرد و اجتماع سازگاری برقرار می‌کند. آیاتی که دعوت به انفاق را توصیه می‌کنند، در واقع بیان‌گر این راهبرد قرآنی در جمع بین منافع فرد با جامعه را از طریق نگاه حداکثری به منافع اخروی تأمین می‌کنند.

﴿وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ﴾  
(انفال/۶۰)؛ و هر چیزی در راه خدا خرج کنید پاداشش به خود شما باز گردانیده می‌شود و بر شما ستم نخواهد رفت.

﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِئَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (بقره/۲۶۱)؛ مثل [صدقات] کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند همانند دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه‌ای صد دانه باشد و خداوند برای هر کس که بخواهد [آن را] چند برابر می‌کند، و خداوند گشایش‌گر داناست. این آیات و آیاتی از این قبیل در واقع پاسخ‌گوی همان حداکثرسازی منافع، که عقل و فطرت بر آن صحه گذاشته است، می‌باشد که قرآن کریم نه تنها آن را پذیرفته، بلکه به خوبی در پی پاسخ‌گویی به آن برآمده است.

### قاعده‌مندی نظام آفرینش

قاعده‌مندی نظام آفرینش که در قرآن از آن به عنوان سنت یاد می‌شود، از مؤلفه‌های مهم هستی‌شناسی قرآن کریم به شمار می‌رود.

قرآن کریم، هم قوانین ثابت و یکسان را برای تمام جوامع قائل است و هم قوانین متغیر اجتماعی را مورد تأکید قرار می‌دهد. نکته قابل توجه این که بسیاری از قوانین اجتماعی قرآن به صورت قضیه شرطیه - آن هم با قیود خاصی - بیان

گردیده است.

آیاتی که امنیت و رفاه اقتصادی را از شاخصه‌های بارز جامعه ایمانی و با تقوا دانسته، و در مقابل، فقر و ناامنی را نتیجه عصیان و کفر و بی‌ایمانی می‌داند به روشنی مبین قاعده‌مندی نظام آفرینش است.

﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾ (نحل/۱۱۲)؛ و خداوند شهری را مثل می‌زند که امن و آرام بود، روزی آن به فراوانی از هر جای می‌رسید، اما [مردم آن] نعمت‌های خدای را ناسپاسی کردند. پس خدا به سزای آنچه می‌کردند، جامعه گرسنگی و ترس به [مردم] آن چشانید. ﴿وَ أَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُمْ مَاءً غَدَقًا﴾ (جن/۱۶)؛ و این که اگر (بر فرض) بر راه (راست) پایداری کنند، حتماً با آب فراوان سیرابشان می‌کنیم.

در سوره نوح استغفار و بازگشت به سوی خدای سبحان را عامل توسعه و فراوانی و آبادانی سرزمین‌ها معرفی می‌کند: ﴿فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا﴾ (نوح/۱۰-۱۲)؛ و گفتم از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او همواره آمرزنده است {تا} بر شما از آسمان باران پی در پی فرستد و شما را به اموال و پسران یاری کند و برایتان باغ‌ها قرار دهد و نهرها برای شما پدید آورد. ﴿وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى ءَامَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ (اعراف/۹۶)؛ و اگر اهل آبادی‌ها ایمان آورده و تقوا پیشه می‌کردند، برکاتی از آسمان و زمین به رویشان می‌گشودیم، ولی تکذیب کردند، پس به [کیفر] دستاوردها [گریبان] آنان را گرفتیم.

در اندیشه قرآن کریم، به خلاف اندیشه رایج در غرب، به ویژه



پوزیتیویست‌ها، پدیده‌های طبیعی یا همان واقعیت‌های اجتماعی، تنها زاده طبیعت نیستند. در باور قرآن، وقوع رخداد‌های اجتماعی و پدیده‌های طبیعی معلول عوامل متعددی است که تنها یکی از آنها طبیعت است. اراده خداوند، فعل و عمل انسان و حتی جامعه، سهم به سزایی در شکل‌گیری یک پدیده طبیعی یا فرهنگی - اجتماعی دارند.

بنابراین، بارزترین ویژگی نظام ارزشی مورد نظر قرآن، در تولید ثروت و رفاه اجتماعی، علاوه بر ابتنای بر ایمان، ناظر به چگونگی ایجاد روابط مطلوب اجتماعی و کار و کوشش همگانی است؛ به همین دلیل، وقتی قرآن از ارزش‌های مد نظر خویش سخن می‌گوید، به اصولی مانند امانت‌داری و وفای به عهد اشاره می‌کند که بدون توجه به آنها امکان ایجاد جامعه مولد دور از انتظار می‌نماید. وقتی قرآن کریم خیانت در امانت را به منزله خیانت به خدا و رسولش تلقی می‌کند و می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (انفال/۲۷)؛ ای مؤمنان! به خدا و پیامبر خیانت نورزید و دانسته به امانات خود خیانت نکنید.

در حقیقت، این واقعیت اجتماعی را گوش‌زد می‌کند که انسجام اجتماعی، نیازمند اعتماد اجتماعی است؛ در صورتی که اگر خیانت در جامعه فراگیر شود، انسجام اجتماعی، که محصول کارکردهای نظام ارزشی است از بین می‌رود. با از بین رفتن انسجام اجتماعی، جامعه مقدمات اولیه و زیربنای اصلی تولید ثروت را از دست خواهد داد.

## ب - بُعد راهبردی

### وجود قوانین، دستورالعمل‌ها و مشوق‌ها

منظور از بُعد راهبردی تولید ثروت، وجود دستورالعمل‌ها و راهبردهای عملی و کاربردی قرآن کریم در زمینه مسائل اقتصادی - اجتماعی است که از نظر علمی

و عملی تأثیر آنها در تولید ثروت و اهمیت دادن به آن قابل انکار نیست. آیاتی که بیان گر این موضوع هستند را می توان در دوازده دسته و گروه جای داد: اول، آیاتی که بیان گر اهمیت کار، تلاش و کوشش هستند.

در قرآن کریم بر روی کار و کوشش تأکید فراوانی شده است، زیرا ﴿وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾ (نجم/۳۹)؛ برای انسان جز سعی و کوششی که انجام داده است چیزی نمی ماند. قرآن کریم این را به عنوان یک اصل ذکر کرده است که هر کس به نتیجه تلاش خود می رسد. از این رو انسانها را به کار و تلاش تشویق می کند ﴿وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا﴾ (نبا/۱۱)؛ و روز را برای کسب روزی و (معیشت) قرار دادیم، جوهر روز روشنایی و قلمرو پویایی و تحرک است و تلاش و کوشش را امکان پذیر می کند، در آیه ای دیگر ضمن بیان بخشی از نعمت های الهی، دست یابی به آنها را در سایه کار می داند ﴿وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجْرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ...﴾ (یس/۳۵)؛ و در آن باغ هایی از درختان خرما و تاک قرار دادیم و چشمه ها در آن روان کردیم تا از میوه آن و کار کرد دست های خودشان بخورند.

قرآن کریم با ارائه چنین بینشی در تلاش است تا رفاه مادی و معنوی انسانها را در گرو تلاش و کوشش آنها قرار دهد، زیرا سیر تکاملی موجودات بر پایه تلاش و کار استوار شده است.

دوم، آیاتی که ثمره تقوا را رفاه مادی دانسته و گشایش زندگی و آسایش آن را در گرو تقوا می داند، که آیات آن پیش از این مورد بحث و بررسی قرار گرفت. طبیعی است آسایش و رفاه در گرو رشد و توسعه اقتصادی و تولید ثروت خواهد بود. لذا در این آیات هم مطلوبیت و مقبولیت و هم راه دست یابی به رشد و توسعه اقتصادی و تولید ثروت به وضوح آشکار است.

سوم، آیاتی که به مال و ثروت اهمیت داده و آن را مایه قوام و استحکام جامعه می داند و از سپردن مال به دست افرادی که قدرت حفظ و استفاده بهینه از

آن را ندارند جامعه را بر حذر می‌دارد. ﴿وَلَا تَتَوَاتَرُ السُّفَهَاءُ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾ (نساء/۵)؛ و مال‌های خود را که خداوند وسیله برپا بودن زندگی شما قرار داده، به کم خردان مدهید و از درآمد آن مال‌ها بخورانید و بپوشانیدشان و به آنها سخنی نیکو و پسندیده گوید.

نوع مفسرین معتقدند، از این تعبیر به خوبی، اهمیتی را که اسلام برای مسائل مالی و اقتصادی قائل است، روشن می‌شود. به تعبیر تفسیر نمونه: «اسلام می‌گوید ملتی که فقیر باشد هرگز نمی‌تواند کمر راست کند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ۲۶۷).

همچنانی که آیه شریفه ۲۸۲ بقره که به مسأله وام دادن و وام گرفتن می‌پردازد به خوبی بیان‌گر جایگاه و اهمیت حفظ منابع مالی و گردش آن در جامعه اسلامی برای ایجاد رونق اقتصادی است.

چهارم، آیاتی که بهره‌گیری از نعمات الهی را مورد توجه و تأکید قرار داده، بی‌توجهی و بی‌رغبتی نسبت به مظاهر دنیوی، مانند زینت آلات را مورد نکوهش قرار داده و بهره‌گیری از آنها را از شؤون زندگی انسان مؤمن می‌داند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ﴾ (بقره/۱۷۲)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از نعمت‌های پاکیزه که روزی‌تان کرده‌ایم بخورید و شکر خدا را به جای آورید اگر تنها او را می‌پرستید.

﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نَفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ (اعراف/۳۱-۳۳)؛ بگو: چه کسی آرایشی را که خدا برای بندگان خود پدید آورده و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟ بگو: این‌ها در زندگی دنیا برای مؤمنان است، در حالی که در روز رستاخیز ویژه ایشان است.

قرآن کریم در سوره مبارکه کهف آیه ۴۶، از مال و فرزند به عنوان زینت این جهانی نام می‌برد: ﴿الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾؛ دارایی و فرزند پیرایه‌های این زندگانی دنیاست. از این آیات می‌توان به خوبی استفاده نمود که نگاه قرآن کریم به تولید ثروت نگاه حداقلی نیست.

پنجم، آیاتی که فقر و فحشا را مترتب بر هم دانسته و آن را دست‌آویز شیطان معرفی می‌کند: ﴿الشَّيْطَانُ يُعِدُّكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُّكُمْ مَغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (بقره/۲۶۸).

شیطان شما را از درویشی و بینوایی می‌ترساند و به زشت کاری و ناشایست فرمان می‌دهد؛ و خدا شما را به آمرزش و بخشش خویش نوید می‌دهد؛ و خداوند گشایش بخش، و دانا است.

اگر فقر در نزد خدای سبحان پدیده مطلوبی بود دلیلی نداشت که آن را دست‌آویز شیطان برای به انحراف کشیدن انسان معرفی کند.

از آنجا که این آیه در ذیل آیات انفاق قرار دارد، در تفسیر نمونه در شرح و تفسیر این آیه شریفه می‌نویسد: در توضیح این سخن باید گفت: در نظر ابتدایی انفاق و بذل مال، چیزی جز «کم کردن» مال نیست و این همان نظر کوتاه‌بینانه شیطانی است، ولی با دقت و دید وسیع می‌بینیم که انفاق ضامن بقای اجتماع و تحکیم عدالت اجتماعی، و سبب کم کردن فاصله طبقاتی و پیشرفت همگانی و عمومی می‌باشد و مسلم است که با پیشرفت اجتماع، افرادی که در آن اجتماع زندگی می‌کنند نیز در رفاه و آسایش خواهند بود و این همان نظر واقع‌بینانه الهی است.

قرآن به این وسیله مسلمانان را توجه می‌دهد که انفاق اگر به ظاهر، چیزی از شما کم می‌کند در واقع چیزهایی بر سرمایه شما می‌افزاید؛ هم از نظر معنوی و هم از نظر مادی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ۳۳۷).

همچنانی که آیه شریفه ۲۷۶ بقره که به بیان آثار و نتیجه ربا و صدقه

می‌پردازد گویای این حقیقت است که ثمره صدقات چیزی جز رشد و نمو مال و ثروت نخواهد بود.

﴿۲۳﴾

ششم، آیاتی که طالب برتری قدرت نظامی و قدرت رزمی مسلمین است؛ برای پیش‌گیری از تجاوز به سرزمین‌های اسلامی ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مَنْ دُونَهُمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ﴾ (انفال/۶۰)؛ و هر چه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید، تا با این [تدارکات]، دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان - که شما نمی‌شناسیدشان و خدا آنان را می‌شناسد - بترسانید. و هر چیزی در راه خدا خرج کنید پاداشش به خود شما بازگردانیده می‌شود و بر شما ستم نخواهد رفت.

تردیدی نیست که جامعه وقتی توان و قدرت بازدارندگی رزمی دارد که از قدرت و توان اقتصادی بهره‌مند باشد. اگر قرار باشد جامعه‌ای به نان شب‌اش محتاج باشد و با فقر دست و پنجه نرم کند، چگونه می‌تواند در خود قدرت بازدارندگی ایجاد کند. بنابراین، راه دست‌یابی به توان اقتصادی و در پی آن توان رزمی و بازدارندگی اهمیت دادن به رشد و توسعه اقتصادی و تولید ثروت است. هفتم، آیاتی که آبادسازی زمین را از وظایف انسان دانسته است: ﴿هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾ (هود/۶۱)؛ او است که شما را از زمین آفرید و آبادی آن را به شما واگذاشت.

در آیه ۱۵ سوره «ملک» می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْسُوا فِي مَنَاقِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ﴾؛ او کسی است که زمین را برای شما رام کرد، بر شانه‌های آن راه بروید و از روزی‌های خداوند بخورید و بازگشت همه به سوی او است.

در این آیه شریفه، به وضوح دیده می‌شود که خدای سبحان پس از یادآوری

نهایت رام بودن زمین و آمادگی کامل آن برای بهره‌دهی اقتصادی، ترغیب بلیغ به بهره‌گیری از آن نموده است. از این رو می‌توان گفت، اگر تنها همین یک آیه برای ترغیب به پرداختن به طبیعت و استفاده از مواهب آن می‌بود، برانگیزنده‌ای قوی برای تلاش‌های اقتصادی در جهت تولید ثروت و رشد و توسعه اقتصادی به شمار می‌آمد. نویسنده کتاب پیام‌های اقتصادی قرآن در شرح و توضیح این آیه می‌نویسد:

امکاناتی که زمین در اختیار انسان نهاده، عبارت است از: تحمل عملیات کشاورزی، خدمات صنعتی، روابط بازرگانی و بسیاری از فعالیت‌های دیگر. انسان در روی زمین تا آنجا که امکانات جغرافیایی منطقه‌ای اجازه می‌دهد، به تولید می‌پردازد و هنگامی که تولید محلی، نیازهایش را تأمین نکرد، با روابط بازرگانی و مبادلات اقتصادی با سرزمین‌های دور و نزدیک، نیازهای خود را مرتفع می‌سازد و با کار و فعالیت، وسایل زندگی خویش را فراهم می‌آورد. پس انسان موجودی است که عمده نیازهای او به وسیله زمین و در روی زمین فراهم شده است. او باید با حرکت و تلاش مداوم و ملایم خود، طبیعت را رام کند و از آن بهره‌گیرد، تا با تأمین اقتصاد، بتواند بر مشکلات مادی خود فائق آید و مسیر خود را به سوی کمال پایداری طی کند. بنابراین، باید گفت که این اقتصاد سالم و پیشرفته است که نقش خود را به طور مستقیم در زندگی این دنیا و به طور غیرمستقیم در پیمودن راه کمال آخرت ایفا می‌کند (موسوی اصفهانی، ۱۳۶۸، ۱۲۵).

هشتم، آیاتی که بیان‌گر نوعی گلایه از کوتاهی بشر نسبت به الطاف الهی در برابر تمکین زمین برای او، و قرار دادن اسباب زندگی در اختیار او است ﴿وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ﴾ (اعراف/۱۰)؛ و قطعاً شما را در زمین قدرت عمل دادیم، و برای شما در آن، وسایل معیشت نهادیم، [اما] چه کم سپاس‌گزاری می‌کنید.

آنچه مسلم است فعالیت‌های تولیدی، عنصر اساسی در طلب روزی است و از آیه شریفه به خوبی می‌توان اهمیت و تشویق به آن را استفاده نمود. قرآن تصرف در عوامل تولید و نهادهایی که خداوند برای بشر در جهت تولید و رشد و شکوفایی اقتصادی خلق کرده را توصیه و به شکر این نعمت‌ها و استفاده درست از آنها تأکید می‌ورزد.

بنابراین، آیه به روشنی دلالت بر رفاه اجتماعی بشر خواهد داشت؛ زیرا زندگی فقیرانه که منت برانگیز نخواهد بود.

نهم، تمامی آیات انفاق و زکات؛ زیرا این آیات در پی ترسیم سیمای جامعه‌ای هستند که مال و ثروت در آن مورد توجه واقع شده و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا نمی‌توان پذیرفت که از سویی اسلام این همه تأکید بر انفاق و پرداخت زکات برای ایجاد توازن اجتماعی داشته باشد و از سوی دیگر هیچ توجهی به تولید ثروت نکرده و ارزشی برای آن قائل نباشد.

این در حالی است که مزیت اقتصادی انفاقات و زکات این است که این مال هر چند اندک هم باشد از یک سو، در حیات اقتصادی مؤثر است و قدرت خرید قشری از مردم را بالا می‌برد (حائری، ۱۳۸۶، ۱۷۹). با افزایش قدرت خرید در بین قشر فقیر جامعه، تقاضای افراد برای خرید کالاها زیاد شده و تولیدکنندگان داخلی به سمت تولید بیشتر می‌روند. در نتیجه سودشان بیشتر می‌شود و صنایع خود را در جهت تولید کالای بیشتر گسترش می‌دهند و چون از طرف مقابل، کارگران در سطح مناسبی از بهره‌وری هستند، در نتیجه می‌توانند نرخ رشد تولید را افزایش دهد.

از دیگر سو، توزیع مناسب درآمد، که باعث از بین رفتن فقر می‌شود، می‌تواند با عمل کردن به صورت انگیزه‌های نیرومند مادی و روانی برای مشارکت گسترده همگان در فرایند توسعه، توسعه اقتصادی سالم را به ارمغان آورد. در حالی که اختلاف طبقاتی از نظر روانی بر مردم تأثیر می‌گذارد و مانع از

رشد اقتصادی مناسب جامعه می‌شود.

نهم، آیاتی که به بیان تجربه عملی برخی از پیامبران الهی علیهم‌السلام، مانند داود علیه‌السلام، سلیمان علیه‌السلام، ذوالقرنین و یوسف علیهم‌السلام می‌پردازد به روشنی بیان‌گر این حقیقت است که بستر حکومت دینی، بستری مناسب برای رشد و توسعه مادی و معنوی است. به همین جهت قرآن کریم نشانه‌های درس‌آموزی از پیشرفت مادی و تکنیکی را به دوران حکومت آنان نسبت می‌دهد. به عنوان مثال، قرآن کریم جریان ایمان آوردن ملکه سبا را وجود حیرت‌آور رشد تکنیکی حکومت حضرت سلیمان علیه‌السلام را در ساخت و به کاربرد شیشه بر روی آب بیان می‌کند (نمل/۴۴) که این مسأله بیان‌گر این حقیقت است که نظام‌های الهی جدای از امدادهای غیبی بستر مناسبی برای رشد و توسعه و شکوفایی بیشتر استعدادها و توانمندی‌های افراد را فراهم می‌کند.

دهم، تمام آیاتی که از مال تعبیر به خیر نموده‌اند گویای این حقیقت‌اند که نگاه قرآن کریم به مال و ثروت نگاه مثبت است. لذا در بحث انفاق زیباترین تعبیر را، که خیر باشد، برای مال و ثروت به کار می‌برد. ﴿وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾ (بقره/۲۷۳)؛ هر مالی را که انفاق می‌کنید، خداوند به آن آگاه است.

اهل لغت و مفسرین، یکی از مصادیق بارز خیر را «مال و ثروت» دانسته‌اند. البته مالی که از راه حلال و موازین شرعی به تصرف و تملک درآمده باشد. راغب اصفهانی با استناد به آیه شریفه ﴿إِنْ تَرَكَ خَيْرًا﴾، که در طی آن ارث از مصادیق خیر خوانده شده، می‌نویسد:

«خیرا ای مالاً» و برخی از علما گفته‌اند، وقتی به مال، خیر گفته می‌شود که بسیار بوده و از راه پاک به دست آمده باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ماده خیر).

یازدهم، تمام آیاتی که به بیان منع اسراف و تبذیر پرداخته در واقع در پی



اصلاح الگوی مصرف در جامعه است. این در حالی است که اصلاح الگوی مصرف یکی کارآمدترین راه‌های حفظ ثروت و افزایش تولید ملی است، و بیشترین نقش را در رشد و توسعه پایدار داراست. بنابراین، نگاه قرآن به مسأله پرهیز از اسراف و تبذیر در راستای بهره‌وری مناسب و درست از امکانات و وسایلی است که خداوند به طور مستقیم یا غیر مستقیم در اختیار بشر قرار داده است.

در قرآن کریم همواره سخن از اقتصاد است. اقتصاد، که از واژه قصد گرفته شده است، در قرآن به معنای میانه‌روی و اعتدال است. از این رو بنیاد امور در حوزه تولید و توزیع و مصرف کالا در بینش و نگرش قرآنی میانه‌روی است. هرگونه رفتارهای بیرون از این چارچوب از نظر قرآن نه تنها نادرست و نابهنجار است، بلکه گناه و گناه جرم قانونی تلقی می‌شود.

دوازدهم، آیاتی که از مواهب مادی به عنوان فضل الهی یاد می‌کند. ﴿وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتٍ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ وَتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْنَاهُ تَفْصِيلًا﴾ (اسراء/۱۲)؛ ما شب و روز را دو نشانه توحید و عظمت خود قرار دادیم. سپس نشانه شب را محو کردیم و نشانه روز را روشنی‌بخش ساختیم تا (در پرتو آن) فضل پروردگارتان را بجوید (و به تلاش زندگی برخیزید) و عدد سال‌ها و حساب را بدانید و هر چیزی را مشخص و آشکارا بیان کردیم.

«إِبْتِغَاءَ فَضْلِ اللَّهِ» در قرآن معمولاً به معنی رزق و کسب و کار مفید و ارزنده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ۴۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ۵۱).

﴿وَمِن آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَ لِيُذِيقَكُمْ مِّن رَّحْمَتِهِ وَ لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ وَ لِتَبْتَغُوا مِن فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ (روم/۴۶)؛ و از آیات (عظمت) خدا این است که بادها را به عنوان مژده‌دهندگان می‌فرستد تا شما را از رحمت خویش بچشاند (و سیراب کند) و کشتی‌ها به فرمانش حرکت کنند و از فضل او

بهره گیرید. شاید شکر او را به جای آرید. بنابراین، مصداق بارز «ابتغاء فضل» در این گونه آیات، «فعالیت‌های تولیدی» است.

از این آیات نیز به وضوح می‌توان دریافت که تلاش و کوشش برای انجام فعالیت‌های تولیدی در راستای تحقق رفاه فردی و اجتماعی امری کاملاً مطلوب و پسندیده و مورد تأکید است. با توجه به همین مبانی راهبردی قرآن کریم در رابطه با رشد و تولید ثروت است که برخی از نویسندگان غربی مانند ماکسیم رودنسون ضمن رد نظریه وبر، و در پاسخ به این سؤال که سنن و ارزش‌های کشورهای مسلمان در جهان سوم تا چه حد مسؤول عقب‌ماندگی آنها بوده است، معتقد است که اسلام تمام خصوصیات را که مذهب پروتستان دارد، دارا می‌باشد. به اعتقاد این نویسنده، ولی مسلمانان هیچ‌گاه اسلام واقعی را به کار نبسته‌اند (رودنسون، ۱۳۵۸، ۸۹).

### نتیجه‌گیری

از آنجا که قرآن کریم به بیان خودش هدایت‌گر به سوی سُبُل سلام است؛ ﴿...قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَ يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَ يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (مائده/۱۶-۱۵)؛ به تحقیق از طرف خداوند نور و کتاب آشکاری به سوی شما آمد که خداوند به برکت آن (نور و کتاب)، کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند، به راه‌های سلامت، هدایت می‌کند، و به فرمان خود، از تاریکی‌ها به سوی روشنایی می‌برد؛ و آنها را به سوی راه راست، رهبری می‌نماید.

بی‌تردید یکی از راه‌های سلامی که قرآن در زندگی فردی و اجتماعی مورد توجه جدی قرار داده است توجه دادن پیروان خویش را به رهنمودهای اقتصادی این کتاب الهی است؛ که عاملین به این رهنمودها، از برقراری اقتصادی سالم و تحقق رشد و توسعه اقتصادی پایدار به همراه رفاه فردی و اجتماعی برخوردار

خواهند شد؛ چرا که آموزه‌های ملهم از قرآن کریم از یک سو، سبب پیدایش انگیزه مثبت برای تلاش‌های اقتصادی و از سوی دیگر، سبب مصونیت از آفات زیان‌باری خواهد بود که همواره در راه تحقق تولید ثروت و توزیع بهینه آن پیش روی جوامع قرار دارند. که این دو مؤلفه «وجود انگیزه و مصونیت از آسیب‌ها» مناسب‌ترین بستر برای تولید ثروت و رشد و توسعه پایدار خواهد بود. بر مبنای این رهنمودهای قرآنی است که اقتصاد مقاومتی در گفتمان رهبری جویای تولید ثروت در بستر نظام دینی است؛ زیرا هدف از تولید ثروت در گفتمان رهبری رفتن به سمت آرمان‌های نظام اسلامی است که به تعبیر ایشان:

«آرمان نظام جمهوری اسلامی را می‌شود در جمله کوتاه «ایجاد تمدن اسلامی» خلاصه کرد. تمدن اسلامی، یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است، برسد؛ زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزت‌مندی داشته باشد؛ انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت؛ تمدن اسلامی یعنی این. هدف نظام جمهوری اسلامی و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۶/۱۴).

### پی‌نوشت‌ها

۱. در اندیشه دینی، و از جمله اسلام نیز عدالت جایگاه مهمی را به خود اختصاص داده و به ویژه در اندیشه شیعی «عدل» به عنوان یکی از اصول اعتقادی مطرح شده است که علاوه بر عرصه باور و اعتقاد، بازتاب‌های مهمی در حوزه سیاسی و اجتماعی دارد. بعثت پیامبران علیهم‌السلام و تشریح ادیان نیز برای به سعادت رساندن انسان‌ها با اجرای قسط و عدل در زندگی آنان بوده است. بر همین اساس، انقلاب اسلامی از ابتدا همواره در پی آن بوده است که الگوی پیشرفت و توسعه اقتصادی و اجتماعی خود را از مسیر عدالت اجتماعی به بار نشانند. در اندیشه دینی استقرار عدالت در جامعه زمینه را برای احیاء معارف دینی و مکارم اخلاقی و شکوفایی استعدادهای آدمیان فراهم می‌کند. این موضوع جداگانه در مقاله دیگری مورد بحث واقع خواهد شد.
۲. برای توضیح بیشتر این مطلب (ر.ک: محمود اصغری، ۱۳۸۵، توسعه نیافتگی در جهان اسلام).

## منابع و مأخذ

۱. اسدی، علی (۱۳۹۳)، «نظام اقتصاد اسلامی الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی»، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال دوم، ش ۵.
۲. اصغری، محمود (۱۳۸۵) «توسعه نیافتگی در جهان اسلام»، دوماهنامه اندیشه حوزه، ش ۳۰، چاپ دوم.
۳. امامی، محمد (۱۳۹۲)، «استفاده بهینه در آموزه‌های اسلامی و نقش آن در اقتصاد مقاومتی»، دو فصلنامه میراث طاها، ش ۲.
۴. بازرگان، مهدی (۱۳۷۴)، «آخرت و خدا، هدف بعثت انبیاء علیهم‌السلام»، کیان، ش ۲۸.
۵. بیانات در دیدار مسئولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، (۱۳۸۵/۱۱/۳۰).
۶. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، (۱۳۹۴/۱۲/۲۱).
۷. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، (۱۳۹۲/۶/۱۴).
۸. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، (۱۳۹۴/۱۲/۲۰).
۹. پیام نوروزی مقام معظم رهبری، (۹۵/۱/۱).
۱۰. ترابزاده جهرمی، محمد صادق؛ سجادی، سید علیرضا؛ سمیعی نسب، مصطفی (۱۳۹۲)، «بررسی ابعاد و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دامنه‌السلام»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، ش ۳۲.
۱۱. جمالی، یعقوب و جابری، علی (۱۳۹۴)، «اقتصاد مقاومتی از دیدگاه اسلام مفهومی، اصول و سیاست‌ها»، معرفت، ش ۲۱۳.
۱۲. حائری، محسن (۱۳۸۶)، «اندیشه‌های اقتصادی در نهج البلاغه»، ترجمه عبدالعلی آل بویه لنگرودی، تهران: بنیاد نهج البلاغه.
۱۳. خمینی، امام روح‌الله (۱۳۷۸)، «صحیفه امام»، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رهبر.
۱۴. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (۱۴۰۴ق)، «مفردات غریب القرآن»، دفتر نشر کتاب.
۱۵. رودنسون، ماکسیم (۱۳۵۸)، «اسلام و سرمایه‌داری»، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی.
۱۶. سیف، الله مراد (۱۳۹۱)، «الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران»، آفاق امنیت، سال پنجم، ش ۱۶.
۱۷. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ق)، «المیزان فی تفسیر القرآن»، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم.
۱۸. طهماسبی، آذر و بلداجی، اصغر (۱۳۹۲)، «جهاد اقتصادی و اقتصاد مقاومتی از منظر

قرآن و اهل بیت علیهم السلام»، مجله کوش، ش ۱۳.

۱۹. عبداللهی، عابدصمد و قبادی، مهری (۱۳۹۳)، «راهکارهای قرآن برای رونق اقتصادی»، سراج منیر، سال پنجم، ش ۱۶.

۲۰. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، مجموعه آثار، تهران: صدرا.

۲۱. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامی.

۲۲. موسوی اصفهانی، جمال‌الدین (۱۳۶۸)، پیام‌های اقتصادی قرآن، بی‌جا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۲۳. میرمعزی، سید حسن (۱۳۹۱)، «اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن با تأکید بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری دامنه‌العلوه»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۴۷.

۲۴. نادران، الیاس؛ ناصرپور، صادق؛ سیاح، سید امیر (۱۳۹۴)، «تحلیل گفتمان ولایت فقیه در حوزه تولید ثروت»، دانش راهبردی، ش ۱۲۴.

۲۵. یونس المصری، رفیق (۱۴۲۶ق)، الاعجاز الاقتصادي للقرآن الکریم، دمشق: دارالقلم.

